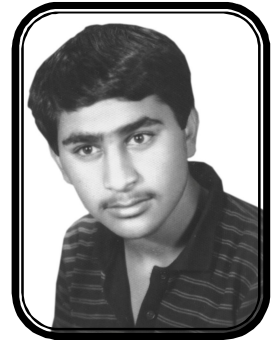




وصیت‌نامه

بسیجی شهید ابراهیم آبروشن



با سلام و درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب و امت شهیدپرور ایران و خانواده عزیز شهدا و خانواده عزیزم وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ»

وقتی که دیدم دیگر برادرانم در جبهه‌ها مظلومانه شهید می‌شوند و خود را در سن بلوغ دیدم به خود اجازه ندادم که در برابر ظلم و ستم صدامیان که به خاک و میهن عزیز اسلامی‌مان تجاوز کرده‌اند ساکت بنشینم و به فریاد «هل من ناصرأ حسینی» ندای مثبت ندهم.

و من از خداوند تبارک و تعالی خیلی سپاسگزارم که مرا در این برهه از زمان که نائب برحق مهدی جامعه ما را رهبری می‌کند به دنیا آورد، نه بعد و نه قبل از او؛ در زمان کسی که به کمک نیروی الهی، ایران را از تاریکی به روشنایی و از راه باطل به جاده حق برگرداند.

من از همه دوستان و اقوام خود خواهانم که هیچ وقت امام خمینی را تنها نگذاشته و اگر راه حق را می‌جویند، این راه را در راهی که امام می‌پیماید، بپیمایند^۱ و از تفرقه و گروه‌گرایی خودداری کنید که تاکنون هر چه ضربه به اسلام خورده است از تفرقه و گروه‌گرایی بوده است.

و توصیه‌ای که من به امت قهرمان به عنوان برادر کوچک می‌کنم [این است] که همیشه با حضور در صحنه مثل گذشته پوزه آمریکا و عمالش [را] به خاک بمالند و با حضور در صحنه، به آمریکا و دیگر سرسپردگانش بفهمانند که ملت ایران از پای نشستنی نیست و راه خود را به کربلا و از آنجا به بیت‌المقدس [ادامه داده] و از آنجا تا سایه نیفکندن پرچم «لااله الاالله» از پای نمی‌نشینند^۲ و همان طور که امام گفته است: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

مبادا کسی در شهادت‌م بگیرد. پدر و مادر عزیزم! من نمی‌توانستم به خود بقبولانم که در مکانی راحت قرار گیرم در صورتی که دیگر برادرانم در جبهه‌ها با دشمن زبون بجنگند^۳.

ای پدر و مادر عزیزم! امیدوارم که برای از دست دادن من هیچ وقت غصه نخورید و بر خود ببالید که فرزندی را در راه خدا ابراهیم‌وار به قربانگاه شهادت فرستادید^۱.

۱. اصل: بپیمایید.

۲. اصل: نشینند.

۳. اصل: بجنگد.

خواهرانم! زینب‌وار پاکدامنی و حجاب را سرلوحه خود قرار دهید و با اسلحهٔ حجاب، مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام بزنید و اگر برای شما برادر خوبی نبوده‌ام، امیدوارم که مرا ببخشید.

مادرم! می‌دانم که چه شبهائی که برای من خوابی نداشتی. مادرم! می‌دانم که ثمرهٔ این شبهای بیدار، تو چه آرزوهائی داشته‌ای^۲ و می‌دانم آن آرزوها چیست، ولی آرزوی من مانند امام حسین در خون غلطیدن است و^۳ این را بدان که خون من و خون دیگر شهیدان روزی حلقوم صدام و صدامیان را خواهد گرفت و آنها را به زباله‌دان تاریخ می‌اندازد، پس بنابراین نباید در شهادت من گریه کنی؛ زیرا من نمرده‌ام، «بلکه شهید زنده است و در پیش خداوند روزی می‌گیرد»^۴.

مادرم! من دلم می‌خواهد که در شهادتم گریه نکنی، بلکه صبر و استقامت پیشه کنی و اگر وقتی نتوانستی جلوی گریه خود را بگیری، گریهٔ ضعف نکنی و برای شهیدان کربلا گریه کنی و زینب زمان شوی.

از برادرانم می‌خواهم که به درس خواندن ادامه دهند؛ زیرا فردای انقلاب برای از بین بردن این همه ویرانی‌ها، احتیاج به نیروی انسانی زیادی دارد و شماها با رهنمودهای امام خمینی در راه اسلام پیش می‌روید که خداوند با شماست و با حضور در ارگان‌های انقلابی و شرکت در مساجد و راهپیمایی‌هایی که تاریخی [است] مشت محکمی بر دهن آمریکا بزنید.

از عمو و زن عموهایم و پسر عموهایم خواستارم که هیچ وقت از راهی که امام خمینی می‌پیماید منحرف نشوند. از همهٔ اقوام و همسایگانم طلب بخشش می‌کنم.

[از] وسایل شخصی به جز چند کتاب و مقدار ۳۵۰ تومان پول که در بانک دارم چیز دیگری ندارم که کتاب‌ها را به فتح‌الله، سیف‌الله، محمود، منوچهر، بهروز و خواهرانم هدیه می‌کنم تا با خواندن آنها، راهم را ادامه دهند و مقدار پولی را هم که دارم، اگر کسی پولی از من می‌خواهد باید بیاید و آن را از پدرم بگیرد. مقدار نزدیک به ۱۵۰ تومان دکان از من می‌خواهد که آن را بدهید. اگر پولی اضافه کرد یک دست لباس برای برادر عزیزم محمدرضا و پسرخواهر عزیزم مجتبی و امیرعباس پسر علی آقا بخرند.

در خاتمه اگر کسی از من بدی دیده است امیدوارم که مرا ببخشد.

والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته

شهیدان زنده‌اند الله اکبر *** به خون آغشته‌اند الله اکبر

ابراهیم آبروشن ۱۳۶۱/۲/۱

بازنشر وصیت‌نامه شهید، توسط گروه فرهنگی شهید بقایی

آدرس اینترنتی سایت: www.koocheyeshahid.ir

۱. اصل: فرستادی.

۲. اصل: داشته‌اید.

۳. اصل: ولی.

۴. اصل: می‌گیرند.